



انترناسیونال

۱۲۶ ضمیمه

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

سه شنبه، ۲۵ بهمن ۱۳۸۴، ۱۴ فوریه ۲۰۰۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

ویژه نامه: اسلام سیاسی در آینه کاریکاتورها!

بحران کاریکاتورها، کاریکاتوری از بحران



حمید تقوائی

دانمارک را به آتش کشیدند و چند نفر در شورشهای مردم خشمگین در چند کشور در خاورمیانه جان خود را

صفحه ۲

از محمد چاپ کرد و نه به کسی توهین شد و نه بحرانی بوجود آمد اما تجدید چاپ آنها ناگهان به یک مساله بحرانی تبدیل شد! سفارتخانه

کاریکاتورها موسوم شده است، اما "کاریکاتوری از بحران" نام برازنده تری برای آنست. حدود پنج ماه قبل یک نشریه دانمارکی کاریکاتورهای

چاپ کاریکاتورهائی از محمد که به منشا تشنج و تنش در چند کشور اسلامزده تبدیل شده، و یا در واقع تبدیل اش کرده اند، به بحران



از آزادی بیان دفاع کنیم!

مینا احدی

مراکز و سفارتخانه ها حمله میکنند، آتش میزنند و تهدید به قتل و گردن زدن میکنند. این چهره

صفحه ۴

جبهه جهانی در دفاع از آزادی بیان و سکولاریسم را سازمان دهیم! این روزها در رسانه ها چهره های وحشتناک تعدادی افراد تحریک شده و یا اجیر شده را می بینیم که به



آذر ماجدی

باند های سازمان یافته اسلامی اند و بعضا مردمی که بر مبنای تعصبات و خرافات مذهبی تحریک شده اند.

صفحه ۸

مرعوب نشوید! معذرت نخواهید!

دهانشان میاورد. گروگان گیری، ارباب، شکنجه، جنایت و تحقیر و توهین به ارزشهای انسانی و حقوق آزادیخواهانه سلاح جریان اسلامی است. این جنجال و آشوب توسط جریانات و دولت های اسلامی سازمان یافته است. اینها عمدتا

دنیا جنجال اسلامیت ها بر سر چاپ کاریکاتور محمد (پیامبر اسلام) در قالب یک تروریست را زیادی جدی گرفته است. عذرخواهی بعد از عذرخواهی به دولت ها و اوپاش اسلامی تسلیم میشود. عذرخواهی این قداره بندان را بیشتر جری میکنند و بیشتر کف بر



مریم نمازی

چه کسی باید معذرت بخواهد؟

معذرت خواهی هایی می اندازد که باید از من و امثال من به عمل آید. دوست دارم اسلامیت هایی که

صفحه ۷

تقاضای مکرر و بی شرمانه برای معذرت خواهی جهت چاپ کاریکاتورهای "موهن" و "متجاوزانه" از محمد مرا یاد

کارتونها و پیغمبرها!



محسن ابراهیمی

کرد. دین به طور کلی و اسلام مشخصا نمیتواند بدون تابوهای مقدس به حیات خودش ادامه دهد. نماز یکی از مهمترین این مقدسات

صفحه ۵

ستونها و بادها!

میگویند نماز با یک باد نمازگزار باطل میشود. یعنی یکی از ستونهای اصلی و محکم اسلام توسط بادی ناقابل از یک مومن فرو میریزد. ستونی که قرار است به این سهولت فرو بریزد بهتر است فروبریزد. اما منطقی در این حقیقت نهفته است که عالم فوقانی اینچنین به عالم تحتانی گره خورده است؛ که رایحه روحانی، اینچنین در اثر "رایحه" جسمانی منقلب میشود! این منطق را باید در نیاز پایه ای اسلام در حفظ تقدسات جستجو

باید از آزادی بیان پاسداری کرد!

در حاشیه جنجال اسلامیت ها و چاپ کاریکاتورها

اطلاعیه حزب

صفحه ۸

حتی محمد هم به کاریکاتورهایش اعتراض کرد!

مظفر رامش

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ بحران کاریکاتورها، کاریکاتوری از بحران

از دست دادند و در مقابل دولتهای غربی شروع کردند به معذرتخواهی و محدود کردن آزادی بیان در کشورهای خودشان. بهانه ظاهرا اینست که به مسلمانان توهین شده است! میگویند به مسلمانان توهین شده و باید جهان از آنان معذرتخواهی کند اما با کمی دقت معلوم میشود مضمون مساله و موضوع مجادله هم از نظر کاریکاتوربستها وهم معترضین به آن نه مردم مسلمان بلکه اسلام سیاسی است.

قبل از اینکه وارد بحث در مورد آزادی بیان مستقل از اینکه به کسی توهین شده و یا نشده بشویم - که این بنویه خود نکته مهمی است چون آزادی بی قید و شرط بیان پیش شرط وجود یک جامعه آزاد و شکوفای انسانی است- اجازه بدهید ببینیم اصلا توهینی در کار هست؟ به که توهین شده و چه کسانی احساس اهانت کرده اند؟ آیا واقعا آتطور که ادعا میشود این یک میلیارد و چند صد میلیون مردم کشورهای اسلامزده هستند که رنجیده و خشمگین شده اند؟ وقتی به مضمون و موضوع مورد نقد و طنز در این کاریکاتورها دقت میکنید میبینید در واقع اسلام سیاسی در این کاریکاتورها به طنز کشیده شده است. (طرحی از محمد با یک نارنجک یا بمب دستی در عمامه اش، تصویر محمد که جلوی دروازه بهشت ایستاده و به شهدانی که صف کشیده اند با عذرخواهی میگوید باکره هایمان تمام شده، و یا کاریکاتوری از دو زن که بجز چشمها تمام بدنشان در چادر سیاه پیچیده شده و در جلوی آنها محمد شمشیر بدست ایستاده است و فقط چشمهایش، به شیوه ای که معمولا برای شناخته نشدن صاحب عکس بکار میبرند، با نوار سیاه پوشانده شده و عنوان کاریکاتور هم هست "سانسور").

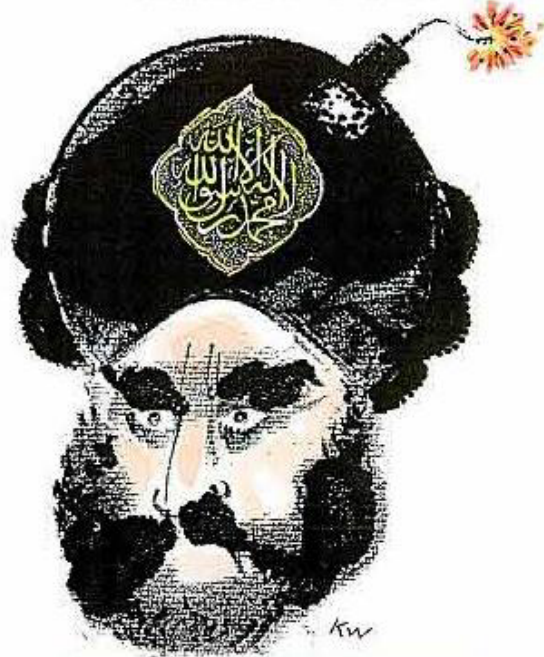
روشن است که موضوع این کاریکاتورها اسلام سیاسی است. اسلام سیاسی است که با بمب گذاری و کشتار انسانهای بیگناه امرش را پیش میربرد. هم در کشورهایی که اسلام سیاسی حاکم است نظیر ایران جمهوری اسلامی که مردم هرروزه با اعدام و سنگسار و قصاص اسلامی

مواجه هستند و هم در کشورهای دیگر در خاورمیانه و شمال آفریقا و حتی در پایتختهای اروپائی که تروریسم اسلامی در اپوزیسیون صدها انسان بیگناه و پیر و جوان زن و مرد و کودک را با بمب گذاری و عملیات انتحاری کشتار میکنند. این نوع اسلام هست که با بمبی در عمامه محمد نمایندگی میشود و به سخره گرفته میشود. اگر این کاریکاتور سی سال قبل چاپ میشد کسی متوجه نمیشد به چه رجوع میکند. حرف و بیامی نداشت، و اصلا موضوعیت نداشت. نه کسی می رنجید و نه کسی لبخند میزد، چون در آن زمان کسی اسلام را با عملیات بمب گذاری و انتحاری تداومی نمیکرد. همینطور در کاریکاتوری که به شهدا اعلام میشود باکره های بهشت تمام شده است این جهاد و کشته شدن در راه اسلام و شهادت طلبی به امید حوریان بهشتی است که دست انداخته شده و این نیز مختص اسلام سیاسی است. این طنز هم سی سال پیش یعنی قبل از بمبیدان آمدن اسلام سیاسی با وجود اینکه مذهب اسلام همین بود و یک میلیارد و خرده ای هم مسلمان محسوب میشدند، بی معنی بود و به موضوع شورش و جدل و بحثی تبدیل نمیشد.

هم از همین سنخ است، معتقد به آپارتاید جنسی و کشتار کفار و مرتدین است، با این ایدئولوژی ترور و اعدام و سنگسار میکند. به طنز کشیدن این نظرات و جریانات سیاسی توهین به کسی نیست، عین احترام به انسانیت است!

هر کس برای انسانیت احترام قائل باشد این کاریکاتورها برایش گویا و تیز و هوشیارانه است، لبخند به لب انسانهای آزاد اندیش می آورد و بویژه در مورد مردم ایران که بیست و هفت سال است رژیم اسلامی حاکم خونشان را در شیشه

جمهوری اسلامی و تا حزب الله و القاعده و شیخها و ملاها و امام جمعه های ریز و درشت در کشورهای اسلامزده. نیروهایی که به شهادت طلبی و عملیات انتحاری و قصاص و سنگسار و غیره معتقدند، این فلسفه زندگی سیاسی آنهاست و به دکان سیاسیشان رونق داده است. این شورشهایی که آنرا بپای مردم خشمگین میگذارند حرکتیهای کاملا ارکستره و سازمان یافته از جانب این نیروهاست. این حرکتیهای خود جوش مردمی نیست، کما اینکه انتشار این کاریکاتورها تا



کرده است باید گفت حرف دلشان را میزند و دلشان را خنک میکند. بیست و هفت سال است که این جریانات با همین نوع مقدساتی که امروز به آنها "توهین" شده زده اند و کشته اند و دست و پا قطع کرده اند و به شلاق کشیده اند و اسید بروی زنان پاشیده اند. کرور کرور اعدام کرده اند و گورستانهای جمعی را آباد کرده اند. کاریکاتوری که این نوع مقدسات را به سخره میگیرد پیام سیاسی معینی دارد: پیام آزادی، پیام انسانیت، پیام دفاع از زندگی و مقابله با خرافات مذهبی و مقابله با تاجر فکری که انسان و انسانیت را زیر پا له میکند.

کسانی که خودشان را توهین شده تلقی میکنند نه مردم عادی در کشورهای باصطلاح اسلامی بلکه دولتها و نیروهای سیاسی هستند که جان وزندگی این مردم را به تباهی کشیده اند. از دولت عربستان تا

پنج ماه بعد از انتشار اعتراضی را موجب نشده بود. اما امروز که جمهوری اسلامی از یکسو در مخصص جنبش کارگری و مردم ایران و از سوی دیگر دولتهای غربی قرار گرفته و یا سوره از لبنان بیرون رانده شده و جریانات اپوزیسیون اسلامی هم در عراق و دیگر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا شرایط را برای پیشروی فراهم می بینند ناگهان احساس مسلمانان به غلبان می آید و شورشها و به آتش کشیدن شروع میشود!

این یک گروهی سیاسی است. این صرفا بهانه دیگری برای تعرض و پیشروی اسلام سیاسی است. همانطور که کل موضوع حجاب زنان امروز مساله ای سیاسی است. همانطور که مساله دادگاههای شریعه در کانادا، که با آن جنگیدیم و عقبش راندم، یک جبهه تعرض اسلام سیاسی بود، و یا مساله

حجاب در فرانسه و یا قتلهای ناموسی چند سال قبل در اسکانیدیناوی و امروز در آلمان. مساله کاریکاتورها و هیاهویی که حول آن در گرفته هم به همین ترتیب عرصه دیگری برای تعرض اسلام سیاسی است.

آنچه برای این نیروئی که در اعتراض به این کاریکاتورها بسیج شده اساسا مطرح نیست انسانها و حرمت انسانی، چه مسلمان و چه غیر مسلمان است. اسلام سیاسی بیشترین قربانیان خود را از مردم در کشورهای اسلامزده گرفته است. یک قلم آن صد هزار اعدامی در ایران جمهوری اسلامی است. اسلام سیاسی برای عقاید و مقدسات که سهل است برای جان انسانها ارزش و احترامی قائل نیست. این حقیقتی است که جمهوری اسلامی در برابر چشم جهانیان قرار داده است. طنز تلخ قضیه اینجاست که اسلام سیاسی برای عقاید و مقدسات مردمی دل میسوزاند که هزاران نفر از آنان را به جرم زیریا گذاشتن همین مقدسات به سنگسار و شلاق و جوخه های اعدام سپرده است! درست مانند کشمکش که بر سر حجاب زنان، که خود موضوع یکی از این کاریکاتورهاست، در اروپا براه انداخته اند. اسلام سیاسی در اروپا از آزادی پوشش و حق انتخاب حجاب دم میزند اما در هر کشوری که در قدرت است و یا جریان سیاسی مطرحی است به زور شلاق و تعزیر و اسیدپاشی زنان را به زیر حجاب میراند. این خود کاریکاتور و طنز تلخی است. حجاب خود از جمله مقدساتی است که تحقیر و توهین به زنان و به کل انسانها منشا و فلسفه آنها تشکیل میدهد. این اهانت مقدس به انسانیت در ایران اسلامزده با هاله ای از خواهران زینب و اوایش تیغ و شیشه اسید بدست پوشانده شده و حفاظت میشود. همین چند ماه پیش در ایران شاهد کشته شدن چندین دختر جوان دانشجو به جرم بدحجابی بدست حزب الله و اوایش اسلامی بودیم.

مقدسات اسلام سیاسی از حجاب تا شهادت طلبی و جهاد و قصاص و شلاق و سنگسار عین اهانت به انسانیت، و به نقد و طنز کشیدن این مقدسات عین احترام به

از صفحه ۲ بحران کاریکاتورها، کاریکاتوری از بحران

انسانیت است. دم زدن اسلام سیاسی از آزادی پوشش و یا آزادی عقاید و احترام به عقاید، خود میتواند موضوع ده ها طنز و هجو و کاریکاتور باشد. در ایران جمهوری اسلامی نه تنها کمونیستها و بی خدایان و بهائی های و یهودیهها، بلکه هر کس که حتی ولی فقیه را قبول نداشته باشد و به اسلامی متفاوت از اسلام رسمی حاکم معتقد باشد امنیت جانی ندارد. تنها در تابستان ۱۳۶۷ ده ها هزار زندانی را بجرم عقیده نداشتن بخدا و نماز نخواندن به جوخه اعدام سپردند و در گورهای جمعی بی نام و نشان دفن کردند. وقتی این جریانها از احترام به عقاید صحبت میکنند تنها طنز تلخ مشتمل کننده ای را به نمایش میگذارند. این نه روزنامه نگاران غربی بلکه اسلام سیاسی است که باید از بشریت معذرت بخواهد و بخاطر عدم احترام به عقاید و گرفتن جان انسانها بخاطر عقاید متفاوتشان پاسخگو باشد و به محاکمه سپرده شود.

فکری مختلف داریم و هر يك هم لیست بلندی از مقدسات دارند. خدا و پیغمبر برای يك عده مقدس است و پرچم و آب و خاک برای عده دیگری و تاریخ و نژاد و قوم و قبیله برای عده ای دیگر. نقد و به طنز کشیدن هر يك از این مقدسات میتواند توهین به عده ای تلقی شود و جانی برای بیان آزاد عقاید باقی نگذارد. اهانت امریست کاملا ذهنی و احساسی و هیچکس نمیتواند متری بدست بدهد که چه توهین است و چه نیست. کافیست عده ای ادعا کنند که در نوشته و یا کاریکاتور و یا فیلم و رمانی به ما توهین شده است تا انتشار آن ممنوع شود.

تنها راه پاسداری از آزادی بیان اینست که هیچ قید و شرطی را برسمیت نزنیم. اگر کسی احساس میکند در گفته ای به او توهین شده جوابش را با همان شیوه بدهد. اگر کسی از داستان و یا فیلم و نمایشنامه و طنز و کاریکاتوری احساس توهین میکند داستانی بنویسد و کاریکاتوری بکشد و فیلم و نمایش بسازد و اعتراض کند. مجادله و بحث فکری و نظری و برخورد عقاید مکمل آزادی بیان است. آزادی بیان فقط میتواند بی قید و شرط باشد.

وقتی در مورد آزادی بی قید و شرط بیان صحبت میکنیم این در مورد اسلام سیاسی و غیر سیاسی و همه مذاهب و مقدسات و عقاید شخصی و یا سیاسی به یک اندازه صادق است. آزادی بیان یعنی هر چه میخواهد دل تنگت بگو و در مورد هر چه میخواهی بگو! همه

مذاهب، مکاتب فکری و اجتماعی، نظرات علمی و فرهنگی، ناسیونالیسم و افتخارات ملی و همه مقدسات و تابوها ی دیگر میتوانند مورد نقد و طنز قرار بگیرد و قانون باید از این آزادی پاسداری کند.

آزادی نقد مذهب بویژه معیار تعیین کننده ای در برسمیت شناسی آزادی بیان در هر جامعه است. گر چه، همانطور که گفته شد، در محور مساله ای که حول کاریکاتورها ایجاد شده اسلام سیاسی قرار دارد اما آن منبع ارتجاعی که این قابلیت ضد بشری را به اسلام سیاسی داده است مذهب اسلام است. مذهب مسیحیت هم همین نوع ظرفیتهای ضد انسانی را در

آزادی بیان در هر جامعه است. علم و هنر و فلسفه و تفکر و مکاتب فکری و نظری در دویست سیصد سال اخیر در ابعاد عمیق و بیسابقه و بمقیاس چندین برابر تمام دوران تاریخ مدون رشد کرده و به پیش رفته است.

اسلام نیز مانند هر مذهب دیگری قابلیت متحجر و منجمد



کردن تفکر و نظرات بشری را در سطح فردی و اجتماعی دارا است و نقد عمیق و وسیع آن پیش شرط پیشرفت جوامعی است که در چنبره اسلام سیاسی گرفتار آمده اند. نقد این منبع و منشا تحجر و جمود، نقداته نیستی اسلام و مقدساتش، امروز نه تنها مجاز است بلکه يك ضرورت و وظیفه نیروهای انساندوست و مترقی است. این نه تنها حق بلکه وظیفه بشریت مترقی است. اسلام سیاسی دارد بشریت را به قهقرای قرون وسطی میبرد و شرایط قرون وسطی را به نرم زندگی در قرن بیست و یکم تبدیل میکند و دولتهای غربی هم در برابر این تعرض زانو میزنند. خود این دولتها در شکل دادن به اسلام سیاسی نقش داشته اند و امروز هم به اشکال مختلف، همانطور که در عراق و افغانستان شاهدیم، در عرصه سیاست نظم نوین جهانی نقش ویژه ای به آن محول کرده اند. امروز مقابله با این گروکشی اسلام سیاسی از تمن انسانی و نقد سیاسی و نظری اسلام، به طنز و یا به جد،

وظیفه نیروهای چپ و مترقی و همه کسانی است که برای آزادی انسان، برای شکوفائی تفکر و برای مصون کردن جامعه در مقابل انجماد و تحجر قرون وسطائی میجنگند. شرایطی که اسلام سیاسی بیست و هفت سال است بر ایران حاکم کرده است و هر جا بقدرت برسد نیز همین کار را خواهد کرد.

کاریکاتوررستتهائی که این مقدسات را در هم میشکنند خدمت بزرگی به تمدن انسانی میکنند. آزادی بی قید و شرط بیان يك امر تجملی و لوکس نیست که فقط بهتر است رعایت شود، بلکه يك ضرورت است. آزادی بی قید و شرط بیان و بویژه نقد مذهب پیش شرط و از ملزومات داشتن يك جامعه زنده و متحرک و انسانی است. مردم ایران به این حقیقت با پرداخت بهای سنگینی پی برده اند.

اجازه بدهید در خاتمه به این نکته هم اشاره کنم که تا آنجا که به مردم ایران- یعنی هفتاد میلیون از يك میلیارد و چند صد میلیونی که امروز مقامات و ملاها و آیت الله ها از قول آنها احساس اهانت میکنند- مربوط میشود این کاریکاتورها نه تنها توهینی به کسی نیست بلکه باعث انبساط خاطر اکثریت قریب به اتفاق مردم است. اگر اختناق حاکم نبود مردم ایران در نقد و طنز و دست انداختن اسلام و مقدسات اسلامی در اشکال مختلف سر آمد همگان بودند. همین امروز در زیر چادر سیاه اختناق جوک و لطیفه و طنز شفاهی و اینترنتی در مورد اسلام و مقدسات مذهبی بیش از هر جامعه دیگری در ایران رواج دارد. و حتی هر از چند گاه به اشکال مختلف، مثلا به شکل نمایشنامه دانشجویان در مورد امام زمان و یا حسین پارتی در میادین تهران در روزهای عاشورا و تا سوعا، بروز پیدا میکند. بی تردید ایران آزاد شده از جمهوری اسلامی پایگاه جدیدی برای نقد بی قید و شرط مذهب و اته نیسم و سکولاریسم در سطح جهان خواهد بود. کاریکاتوررستتهای دانمارکی در واقع نمونه ای از طرز فکر امروز يك جامعه تحت سلطه اسلام، و بروز اجتماعی این طرز فکر در فردی این جامعه را به نمایش گذاشته اند. *

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: horizontal

حتی محمد هم به کاریکاتورهایش اعتراض کرد!

مظفر رامش
mozafar_ramesh@yahoo.com

از صفحه ۱ از آزادی بیان دفاع کنیم!

مدافع حقوق انسانی، به سکولاریستها و آزادیخواهان اینست که متحدانه در مقابل این موج ارتجاعی بایستید. نگذارید مشت‌های مردم و مزدور و مشت‌های مردم تحریک شده و عقب مانده، با رهبری دولتهای مرتجع اسلامی و باندهای تروریست اسلامی، بشریت را به عقب نشینی و باج دادن وادار کنند. مرعوب این موج ارتجاعی نشوید.

بیاید در این اوضاع با صدای بلند از انسانیت و دستاوردهای انسانی دفاع کرده و از آزادی بی قید و شرط بیان دفاع کنیم. هیچ قید و بندی نباید بر دست و دهان کاریکاتوریستها و هنرمندان زده شود. بساط اسلام سیاسی را در همه جا باید جمع کرد. این کار مردم مترقی و سکولار، این کار میلیونها مردم زجر دیده و قربانیان اسلام

سیاسی و قربانیان این عریده کشیها، کار زنان و جوانان و مردم در بند در کشورهای اسلام زده، و کار مردم مترقی و معترض به اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی است. دولتهای غربی نه می‌خواهند و نه میتوانند از آزادی بیان دفاع کنند. آنها مرعوب شده و از تروریستها و آشوبگران طلب آموزش میکنند. بیاید در مقابل این باندها جبهه انسانیت مترقی، جبهه میلیونی خودمان را قرار دهیم. ما

بسیاریم و میتوانیم با سکوت نکردن و نظاره گر نبودن، بلکه با عکس العمل نشان دادن، این جریانات ارتجاعی را به عقب نشینی وادار کنیم. جبهه متحد و فراگیر سکولاریسم و دفاع از آزادی بیان را شکل دهیم!

مینا احدی

هماهنگ کننده کمیته بین المللی علیه سنسار

کریه اسلام سیاسی است. پشت این وقایع به آشکارا دولت ایران، عربستان سعودی، سوریه و دولتهای مرتجع اسلامی و حماس و باندهای تروریست اسلامی قرار دارند.

این چهره ها و این رفتار وحشیانه برای ما آشنا است. اینها برای به قدرت رسیدن و در قدرت ماندن، برای سهم خواهی سیاسی، برای دستیابی به قدرت و قدرت سیاسی، حربه دیگری جز قتل و کشتار و ویرانی و سنگسار و اعدام ندارند.

هر جا که در قدرت هستند، هر آن کسی را که فکر دیگری دارد و به "مقدسات" ارتجاعی و ضد انسانی اینها تمکین نکند، نابود میکنند و هر جا که در قدرت نباشند، با این رفتارهای هولناک، مردم را مرعوب میکنند و قصد امتیاز گرفتن دارند.

این بار چاپ چند کاریکاتور از پیغمبر مسلمانان، بهانه ای به دست اینها داده، تا ظرفیت ضد انسانی و ویرانگر و هولناک خود را در مقابل چشم جهانیان به نمایش بگذارند. اینجا دعوا در سطح بین المللی، بر سر آزادی بیان است.

تعدادی مرعوب شده و کوتاه آمده اند. صحبت از مرز آزادی بیان میشود و از خود سانسوری دفاع میشود.

این قبول یک عقبگرد کامل است. دستاورد یک قرن مبارزه و نبرد با کلیسا و مذهب و با دولتهای دیکتاتور و مخالف آزادی بیان، دارد به حراج گذاشته میشود و کم هستند کسانی که جرات میکنند در مقابل این موج وحشیگری از اصول و پرنسیپ های بشرمدن دفاع کند.

فراخوان ما به همه نیروهای سکولار و انساندوست، به نهادهای

کنیزها به درک پس عکس بقیه چه شد؟ عکس "زینب دختر خزیمه"؟ عکس "ام سلمه دختر ابی امیه"؟ عکس "حفصه دختر عمر"؟ عکس "زینب بنت جحش"؟ تازه اینها اسامی چند نفر است که من یادمانده است! یعنی این نقاش نمی فهمد که مردانگی ما اهل بیت قرآن فقط با دو وزن ثابت نمی شود؟ این کفر نیست پس چیست؟ محمد که بسیار خشمگین بود و قمه خود را در هوا می چرخاند گفت:

"آیا کسی هست که نداند باری تعالی اگر بخاطر خلقت من نبود این میلیاردها کهکشانی و میلیاردها ستاره و سایر موجودات را خلق نمی کرد؟ آیا کسی هست که نداند وقتی من در دشت و کمر رفع حاجت می کردم همه درختان و سنگها و کوهها بر من سلام می دادند؟ آیا کسی نیست که همه این شگفتی ها را نقاشی کند؟ آیا کسی هست که آن حرف مادر بزرگوارم آمنه را بخاطر نداشته باشد که می گفت "چون فرزندم متولد شد، دو دست بر خاک نهاد و سر به سجده گذاشت، سپس دست ها را به آسمان بلند کرد و دعایی خواند". آیا هیچ کودک دیگری اینکار را می کند؟ چرا کسی نیست که این عظمت را به تصویر بکشد؟"

محمد که از فرط عصابیت از نفس افتاده بود گفت آنها که کارتون ایشان را کشیده اند حق مطلب را ادا نکرده اند. باید گردنشان زده شود. ولی او در عین حال به مسلمانان دلگرمی داد که اگر امروز موفق به انجام این کار نشدند جهنم در انتظار این کاریکاتوریستهای ملعون خواهد بود. و محمد گفت:

"در جهنم آنها گیر می افتند و به زنجیر کشیده میشوند. هنگامی که زنجیر در گردن آنان است، پس به آب گرم کشیده می شوند و سپس در آتش انداخته می شوند!"

پیرمرد ملعون ۱۲۰ ساله یهودی بنام ابوعفک را به هلاکت رساندیم. با اینهمه من اذعان میکنم که با بمب کار ما بمراتب تر آسانتر می شد. محمد سپس رو به جهانیان با اشاره به کاریکاتوری که وی را در دروازه بهشت نشان می دهد تا از ورود شهدای عملیات انتحاری به بهشت بدلیل نبود دختر باکره جلوگیری کند، می گوید:

"این احمقها اصلا نمی فهمند که ما در بهشت فقط وعده دختران باکره را نداده ایم. پس غلمان ها چی؟ حالا گیرم که دختران باکره هم تمام شدند ولی آن پسران نوری که ما وعده اش را دادیم چه؟ حظور ممکن است که با وجود اینهمه حوریان پرده نشین و پسران نوری جاودانی، ما نتوانیم برای شهدای عزیزمان اسباب لذت بوجود آوریم و تازه من مانع ورودشان به بهشت شوم. اینها توطئه کرده اند که من را از روزی بیاندازند!"

محمد آنگاه به کاریکاتور دیگری اشاره کرد. کاریکاتوری که وی را در حالیکه قمه بدست دارد در پیش ۲ زن هراسناک نشان می دهد. محمد گفت:

"این کاریکاتور را باید یک آشنا به سنت من کشیده باشد. کسی که حال و روز پیشوای اسلام را خوب میشناسد. چرا که برخلاف کاریکاتورهای دیگر عکس من را درست و با قمه کشیده است. و اینکه ما صد در صد با قمه از نوامیس خود دفاع می کنیم. اما همین آشنا به قوانین اسلام هم چرا فقط عکس ۲ تا از زنان من را کشیده اند؟ آنها فقط خدیجه و عایشه! تازه عایشه هم خیلی پیرتر از زمانی است که ۹ سال داشت و به عقد من درآمد. من پس از مرگ خدیجه دستمک با بیست زن به عنوان زنان دائم یا موقت ازدواج کردم و تازه همیشه تعدادی کنیز همخواه هم در اختیار داشتم.

محمد (پیامبر اسلام) نسبت به درج تعدادی کاریکاتور در یک نشریه دانمارکی که تصویر وی را به نمایش می گذارد، بالاخره سکوت را شکست و خودش وارد عمل شد. محمد در حالی که بر دهانه غار حرا ایستاده بود خطاب به جهانیان در مورد چاپ کاریکاتورهای اهانت آمیز به خود با خشم به سخن پرداخت. محمد خطاب به دست اندکاران نشریه "یولندس پوستن" گفت اینها مشت‌های احمق هستند که مقام و منزلت من را نمی فهمند. و چون این را نمی فهمند نمی توانند تصویر من را هم درست بکشند. (محمد چیزی در باره گناه بودن به تصویر کشیدنش نگفت) وی با اشاره به یکی از کاریکاتورها که عمامه اش را بسان بمبی نشان می دهد، گفت:

"این احمقها نمی دانند که در زمان من بمبی وجود نداشت. ما بادیه نشین بودیم و تنها سلاح ما شمشیر بود. اصلا ما طور دیگری عمل می کردیم. ما وقتی که تمام مردم قبیله بنی قریظه را اسیر کردیم، به زنان و بچه ها البته رحم کردیم ولی در مدینه مردانمان را که ششصد یا هفتصد نفر- دقیق یادمان نمی آید- دستور دادم که با شمشیر گردن بزنند و در گودالها بیاندازند. آنوقت متاسفانه بمبی نبود وگرنه کار ما بسیار آسان می شد. ما با شمشیر عمل می کردیم و الحق کار پر زحمتی بود. ساعتها طول می کشید که گردن ۷۰۰-۸۰۰ نفر را زد. و یا مثلا وقتی که من از کسی کینه ای به دل داشتم بدبختانه بمبی نبود که زیرش بگذاریم. در جایی که عده ای از مسلمانان جمع بودند من می گفتم- من لی بهذا الخبیث-؟ یعنی کیست که داد من را از این خبیث بستاند؟ و بعد تعدادی داوطلب می شدند و ترتیب طرف را می دادند. همینطور بود که ما آن

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

Tel: 0044-779-1130-707
Fax: 0044-870-135-1338
Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر ردیف ۲۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

از صفحه ۱

کارتونها و پیغمبرها!

است. اگر اسلام به جنبش اسلامی تبدیل نمیشد، میشد از کنار این مقدسات خرافی با ریشخندی رد شد. میشد رابطه نمازگزار با نماز را به خودش سپرد. اما اسلام و نماز و ستونها و مقدسات، امروز دیگر امری مربوط به خلوتگاه مومنین نیست. امروز مقدسات اسلام زندگی میلیونها انسان در جهان را در معرض تعرض قرار داده است. به موضوع تقابل میان جنبشها تبدیل شده است. محمد، پیامبر اسلام یکی از این مقدسات است که گویا با تعدادی کارت روزنامه "یولند پستن" در دانمارک تمام تقدش بر هم ریخته است.

کارتونها و حقیقتا

جریانات اسلامی، چاقوکشان حرفه ایشان را به خیابانها ریخته اند که کارتونها محمد به مقدسترین مقدسات اسلام توهین کرده است؛ محمد را یک تروریست معرفی کرده است؛ که احساس یک میلیارد و نیم مسلمان را جریحه دار کرده است؛ که حرمت مردم مسلمان را زیر پا گذاشته است؛ که سر سردبیرانی که این کارتونها را منتشر کرده اند باید از تن جدا شود؛ که ...

از خود کارتونها شروع کنیم. در کارتون اول، عمامه محمد شبیه یک بمب با فتیله ای مشتعل است. در کارتون دوم، محمد دم دروازه بهشت راه بر شهدای عملیات انتحاری بسته است که دیگر دختر باکره ای در بهشت نمانده است. کارتون سوم، دو زن نقاب پوش را نشان میدهد که وحشت زده پشت محمد خشمناک شمشیر برکمر ایستاده اند و ...

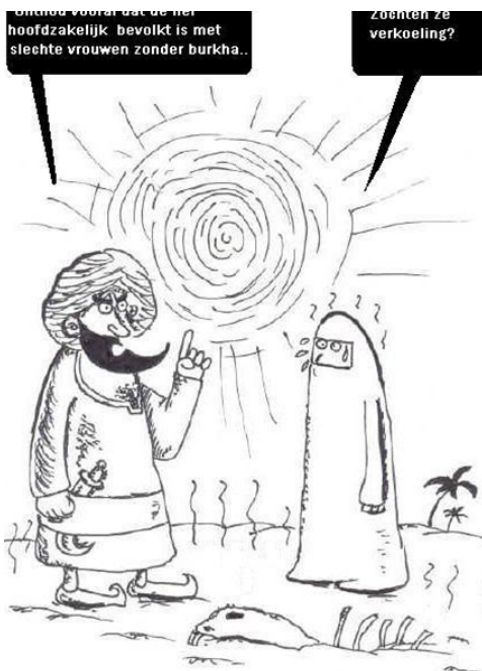
کارتونها حقیقتا را گفته اند. قران را ورق بزنید؛ به سنت محمد و احادیث اسلام نگاهی بیاندازید؛ به جهنم اسلامی طالبان و جمهوری اسلامی ایران و عربستان نگاه کنید و بروشنی ببینید که این کارتونها به ساده ترین شکلی بربریت اسلام را معرفی کرده اند. محمدی که عمامه بمبی بر سر دارد اولین و خشن ترین ترور را در تاریخ اسلام سازمان داده است. خمینی و بن لادن و ملا عمر و زرقای انگشت کوچک پیشوایشان هم نمیتواند باشند. باید دست آن کارتونیست را بگرمی فشرده که اینچنین ساده و گویا عمق

و امنیتی های حکومت اسلامی ایران و حزب الله لبنان هستند. اما همه اینها، در قبال آن "یک میلیارد و نیم مسلمان"، در صد بسیار ناچیزی هستند. با این تفاوت که اکثریت وسیع مردم این جوامع زیر سلطه حکومتهای دیکتاتور، زیر اعراب و ترور جنبش اسلامی به خاموشی کشیده شده اند.

کارتونهای توهین آمیز!

تبه کاران حرفه ای جنبش اسلامی ادعا میکنند که این کارتونها توهین آمیز هستند. این دیگر یک خرعبل اسلامی تهوع آور است. نه خیر. این کارتونها احترام برانگیز هستند. بگذارید بگویم این کارتونها

اسلامی در قبال حقوق زن را پنهان نگه دارند؛ برای شیوخ اسلامی که میخواهند به پیروی از محمد، تجاوز به دختران نه ساله را رسمیت دهند و کسی در قبال این جنایت هولناک حتی جرئت اعتراض نداشته باشد و برای همه دست اندرکاران جنبش اسلامی که مقدسات اسلامی ابزار اعراب جنبششان است. عبارت توهین آمیز را باید توی گیومه گذاشت چون هیچکدام این کارتونها برای این مجرمین اسلامی در حقیقت توهین آمیز نیستند. برای پیروان راستین اسلام، ترور و زن ستیزی و کودک آزاری و تجاوز به دختران نه ساله یک هویت بنیادی و یک ارزش مورد احترام



است. الم شنگه "توهین آمیز" بودن کارتونها فقط برای تحریک پیروان احمق این جنبش است.

برعکس، این کارتونها برای بخش اعظم آن "یک میلیارد و نیم مسلمان" احترام برانگیز است؛ برای هفتاد میلیون از این "مسلمانان" که در ایران وارد یک نبرد مرگ و زندگی با پیروان راستین محمد شده اند؛ برای هزاران هزار خانواده ای که عزیزانشان در زندانهای جمهوری اسلامی با عریه الله اکبر تیرباران

شده اند؛ برای هزاران خانواده ای که کودکانشان با بمبهای اسلامی تکه پاره شده اند؛ برای دختران جوانی که به زور قوانین اسلام به حمله تجاوز اسلامی روانه شده اند؛ برای زنانی که در کابل و هرات با سنگهای طالبان به خون کشیده شده اند؛ برای

"توهین" به چه کسانی و احترام به چه کسانی است. کارتونهایی که تروریسم اسلام و جنبش اسلامی و پیغمبرش را افشا میکنند؛ تجاوز محمد به حقوق زن را بر ملا میکنند؛ ای کاش در میان این کارتونها کارتنی هم بود که نشان میداد محمد مبلغ رابطه جنسی با دختران ۹ ساله بود و به این معنا یک پدوفایل خطرناک هم بود؛ فقط برای این عده "توهین آمیز" است؛ سران جنبش اسلامی که با یک دست آدم میکنند و با دست دیگر قران را به عنوان دین صلح و دوستی بلند میکنند؛ برای مفسران شارلاتان اسلامی که زور میزنند تا ثابت کنند که اسلام دین صلح و دوستی است؛ برای ایدئولوگهای اسلامی که میخواهند ظرفیت جنایتکارانه

ژورنالیستهایی که با شمشیر زرقای سرشان از تن جدا شده است؛ برای انسانهایی که در ۱۱ سپتامبر نیویورک و متروی لندن و قطار مادرید قتل عام شده اند؛ برای توریستهایی که در بالی به قتل رسیده اند؛ برای دختران جوانی که در پاکستان و افغانستان و ایران و لندن و استکهلم بدست خوباختگان مغزشویی شده اسلام "قتل ناموسی" شده اند؛ برای همه اینها و از نظر بشریتی که همه روزه قربانی ترور و زن ستیزی و کودک آزاری و پلشتی و پلیدی اسلام هستند، این کارتونها عمیقاً احترام برانگیز هستند.

نقد مقدسات، اصلی ترین معیار آزادی بیان است

امامان اسلامی و به همراه آنها سران شارلان دول غرب و رسانه های رسمیشان راه افتاده اند و میگویند ما به آزادی بیان احترام میگذاریم ولی آزادی بیان نباید توجیهی برای توهین به مقدسات باشد. به نقش دول غرب بعداً میپردازیم. اما ادعای هولیگانهای اسلامی در مورد آزادی بیان دیگر خنده دار است. احترام به آزادی بیان و اسلام و جنبش اسلامی؟! باید فقط به ریش اینها خندید که اینچنین بیشترمانه از آزادی بیان حرف میزنند در حالیکه پرونده سنگینی از قلم شکستن و زبان بریدن زیر بغلشان است؛ که پیغمبرشان دستور داده است کسی را که جرئت کند و بگوید بالای چشم اسلام ابروست باید از دم تیغ گذراند؛ که کل تاریخ اسلام سرشار از تکفیر و شمع آجین کردن و به دار کشیدن روشنگران بوده است؛ که پیروان همین پیغمبر در ایران و افغانستان و عراق و کشورهای اسلام زده هزاران انسان را فقط به خاطر ابراز نظراتشان بالای دار برده اند. دین به طور کلی و اسلام مشخصاً نمیتواند به هیچ درجه ای از آزادی بیان تن دهد چون ویروس دین، ویروس اسلام فقط در فضایی خاموش و گورستانی میتواند به حیاتش ادامه دهد.

در پاسخ به همه آنهاهایی که آگاهانه یا ناآگاهانه و گاه فاضلان و در عین حال احقانه از آزادی بیان حرف میزنند بشرطی که حرمت مقدسات حفظ شود، باید گفت که معیار آزادی بیان، آزادی نقد

مقدسات، مخصوصا مقدسات مذهبی است. اگر زیر سؤال بردن مقدسات را از آزادی بیان بگیریم دیگر هیچ چیزی برای آزادی بیان نمی ماند. از همان لحظه ای که طبقات و ستم طبقاتی وجود داشته است دهان بشر را به نام مقدسات دوخته اند. میگویند خدا و شاه و میهن و پرچم و مالکیت و کشیش و پیغمبر و امام و تورات و انجیل و قرآن را نباید زیر سؤال برد چون اینها مقدسند. طبقات حاکم همیشه به نام همین مقدسات و بوسیله همین مقدسات، مبارزه طبقات محروم و نقد و اعتراض اجتماعی را سرکوب کرده اند.

جامعه انسانی آزاد مقدسات ندارد. تنها رفاه و حرمت و آزادی انسان مبنای یک جامعه انسانی و آزاد است. هر چیزی در مقابل رفاه و آزادی و حرمت انسان قرار بگیرد باید جارو شود. اسلام و جنبش اسلامی با قرآن و محمد و امامانش یکی از مهمترین موانع یک جامعه آزاد و انسانی است.

ویترنی مقدس برای اعمالی نامقدس!

تمام موضوع بر سر این است که جنبش اسلامی به مقدسات نیاز حیاتی دارد. مقدسات ابزار این جنبش برای پیش بردن دستورالعمل سیاسی اش است. جنبش اسلامی با مقدس کردن و مقدس نگه داشتن محمد دارد ابزار مغزشوایی و از خود بیخود کردن پیروانش را تیز نگه میدارد. ماجرای سلمان رشدی را به خاطر بیابورید. خمینی فتوای قتل او را داد تا ماهیچه لمینیس اسلامی را به جهانیان نشان دهد و جنبش تازه پایش را تثبیت کند. بیست سال بعد، وقتی این جنبش در ایران و جهان به پیسی افتاد و فتوای پیشوایشان وبال گردن جمهوری اسلامی شد، پیروان همان خمینی به هر دری زدند تا یکجوری از شر فتوای امام رها شوند. اصلا در اجتهاد اسلامی دستگاهی به نام احکام ثانویه وجود دارد که توسط آن میتوان مثل آب خوردن حلال را حرام، حرام را حلال اعلام کرد. خمینی خودش مظهر کم نظیر این اپورتونیسم اسلامی بود. جنبش اسلامی در فضای آزادی

اندیشه و تفکر و تعمق احساس خفگی میکند. جنبش اسلامی به خفقان گورستانی نیاز دارد. جنبش اسلامی به ابزار ارباب احتیاج دارد. مقدسات، یک ابزار مهم به خفقان کشیدن و ارباب در دست این جنبش است و محمد یک رکن اصلی چنین مقدساتی است. از همان اول، این یک حرکت آگاهانه از طرف سران اسلام بوده است که هر گونه تصویر از محمد را جرم اعلام کرده اند. تصویر میتواند به تقدس روحانی این پدرخوانده مافیای اسلام لطمه بزند. بی دلیل نیست که سران جنبش اسلامی این چنین در قبال کارتون محمد دهن کف کرده اند.

اگر جامعه بشری براحتی بتواند این رکن مقدس مورد نیاز جنبش اسلامی را زیر سؤال برد آنگاه یک وسیله مهم این جنبش برای خفه کردن و ارباب از دست رفته است. امامان اسلامی دقیقا با وقوف به این حقیقت در نماز جمعه این هفته شان در سطح جهان پیروانشان را تحریک کردند که باید سر از تن آنها بی که جرئت کرده اند محمد را به تصویر بکشند جدا کرد.

علاوه بر این، خود سران جنبش اسلامی خوب میدانند که امروز اسلام و جنبش اسلامی عمیقا در میان مردم جهان منفور است. جمهوری اسلامی و حکومتهای عربستان و سودان و بن لادن و زرقاوی و سایر پیروان راستین محمد دیگر آبرویی برای محمد و قرآن باقی نگذاشته اند. در افکار بشریت مدرن، اسلام یعنی کشتار، اسلام یعنی سر بریدن ژورنالیستها، اسلام یعنی آدمکش انتحاری، اسلام یعنی اتوبوس منفجر کردن، اسلام یعنی توریست کشی، اسلام یعنی گروگان گرفتن کودکان بسلان، اسلام یعنی قتل ناموسی، اسلام یعنی زن آزاری، اسلام یعنی مشروعیت تجاوز به دختران خردسال، اسلام یعنی انکار قتل عام یهودیان توسط نازیها، اسلام یعنی خرافه و عقب ماندگی و ارتجاع. و البته اینها محتوای واقعی قرآن و سنت محمد است که جنبش اسلامی دارد پیاده میکند. جنبش اسلامی به خاطر همه این واقعیات دارد در میان بشریت متمدن هر روز منفورتر و منزوی تر میشود. واکنش جریانات اسلامی به

حقایق نهفته در کارتونها، واکنش یک جنبش مستاصل منفور است. در چنین فضایی، جنبش اسلامی ابلهانه تصور میکند با علم کردن توهین به اعتقادات مردم مسلمان خود را مظلوم و از این طریق مشروع جلوه دهد. این جنبش، با ادعای "توهین به مقدسات مردم مسلمان"، با ادعای جریحه دار شدن احساس مردم مسلمان، دارد از احساسات انسانی و شریف و مدرن مردم متمدن جهان اخاذی سیاسی میکند. مردم متمدن جهان باید بدانند که در همین کشورهای غرب، همین جنبش سالهاست به نام نسبییت فرهنگی و احترام به فرهنگ دیگران

کاخ سفید پشت دوربینها ظاهر شدند و با کمال وقاحت از یکطرف برای آزادی بیان اشک تمساح ریختند و از طرف دیگر کارتونهای محمد را توهین به مردم مسلمان اعلام کردند و محکوم کردند. گفتند ما البته به آزادی بیان احترام میگذاریم اما نباید آزادی بیان توجیهی برای توهین به مقدسات اسلامی شود. و توجه کنید که این سخنان در شرایطی اظهار میشود که جریانات اسلامی علنا اعلام کرده اند سر هر شهروندی را که جرئت کرده است این کارتونها را چاپ کند از تن جدا خواهند کرد. با این حساب، این اظهارات هیچ چیزی نیست جز اینکه



مشغول تجاوز به حقوق زنان، مشغول کودک آزاری، مشغول قتل ناموسی است. باید بدانند که تعداد وسیعی از مهاجرین کشورهای اسلام زده از دست همین جنبش به کشورهای غرب پناه برده اند. باید بدانند که علم کردن "توهین به مقدسات مردم مسلمان" و راسیسم و مظلوم واقع شدن مهاجرین مسلمان یک حقه بازی سیاسی است، ویرترین مقدس این جنبش است که پیش چشمان مردم میگیرد تا بتواند پشتش به اعمال شنیع اسلامی اش ادامه دهد و طلبکار هم باشد.

شرم بر سران دول غرب!

یک بار کارتون را دیدم که در آن یک استرا و یوشکا فیشر، دو وزیر خارجه انگلستان و آلمان عمامه ای بر سر داشتند. این کارتون مربوط به زمانی است که این دو شارلاتان سیاسی دست خاتمی و سروش و شیرین عبادی را در تفسیر انسانی و مدرن از اسلام بسته بودند. با داغ شدن ماجرای کارتونهای محمد، سران غرب مجددا امام جمعه شده اند. این بار جک استرا و سخنگوی

کارخانه ای که خمینی و بن لادن قالب گیری شده بودند، نسخه جدیدی از جنبش اسلامی حدادی شد: اسلام میانه رو و مدرن. خاتمی در ایران و سیستانی در عراق و ... با توجه به این حقیقت سیاسی، دول غرب حاضرند به هر شناخت سیاسی تن دهند، حقوق سیاسی و آزادی بیان شهروند غرب را پایمال کنند تا آیت الله سیستانی در عراق و کرزای در افغانستان و نسخه دیگری از خاتمی در ایران را حفظ کنند. مجتهد شدن یوشکا فیشر در دولت قبلی آلمان، جک استرا در انگلستان و سخنگوی کاخ سفید در آمریکا از این حقیقت سرچشمه میگیرند.

واتیکان و کارتونها!

واتیکان انتشار کارتونهای محمد را به عنوان توهین به احساسات و مقدسات مسلمین محکوم کرده است. واکنش واتیکان کاملا قابل درک است. واتیکان هم مثل همه ادیان نان مقدسات را میخورد. به این معنا تقد مقدسات دینی برای متولیان هیچ دینی خوشایند نیست. تقد هر دینی راه را برای نقد ادیان دیگر باز میکند. ادیان سه گانه یهود و مسیحیت و اسلام ساکنین یک خانواده هستند. تورات و انجیل و قرآن، هر سه آیین بندگی و حقارت و خودبیبگانگی انسان هستند. محمد روی دوش عیسی و عیسی روی دوش موسی قد علم کرده اند. رهبران این ادیان در عین رقابتها و جنگهای مذهبی میانشان، از نقطه نظر بنیادهای فکریشان هم خانواده اند.

تهدید و ترور امروز اسلامیهها، خاطرات شیرین قدرقدرتی دیروز کلیسا را به خاطرش می آورد. رویای بازگشت به انگلیسیسیون کلیسا در قرون وسطی را زنده میکند. اگر امروز کلیسا نمیتواند در مقابل ریشخند ارکان مذهبی اش مثل اسلامیهها جفتک پیراند به این دلیل است که عصر روشنگری و انقلاب کبیر فرانسه پشتش را بر زمین ساییده و دمش را پیچیده است و به پستوهای کلیساها و صومعه ها عقب رانده است.

مضافا باید گفت که کلیسا بخشی از دستگاه دولتی غرب است و نبضش با نبض طبقات حاکم و

از صفحه ۱ چه کسی باید معذرت بخواد؟

بهشان "توهین" شده است - از جمهوری اسلامی ایران تا جهاد اسلامی تا حکومت سعودی - معذرت خواهی کنند! البته نه برای وردهای مذهبی و خرافات قرون وسطایی و عقب مانده شان، بلکه برای این عقاید به شکل دولت‌ها، قوانین اسلامی و جنبش اسلامی سیاسی. اگر هر يك از آنها تصمیم گرفت که برای قتل عام انسان‌های بی‌شمار در ایران و خاورمیانه، و جدیداً در اروپا، برای حجاب و آپارتاید جنسی، برای سنگسار، قطع اندام، گردن زنی، تروریسم اسلامی و برای حمله‌ی وحشیانه‌ی اخیر به کارگران اتوبوس تهران و امثالهم معذرت‌خواهی کند، کافی است که مستقیماً به من ایمیل بزنند!

اگر جدی تر به قضیه نگاه کنیم مسلماً هیچ معذرت‌خواهی نباید صورت گیرد.

اگر هم یولاندیستن (نشریه دانمارکی) از سر ساده لوحی معذرت خواسته است تنها به این خاطر است که خواسته‌های اسلامیت‌ها معمولاً با تهدید مرگ و بمب همراه است - حتی پس از ایراد معذرت‌خواهی!

یولاند پوستن باید بهتر بداند مسخره کردن یا انتقاد از باورها و مذاهب نه تنها مجاز است بلکه با توجه به جنایاتی که امروز مذهب به راه انداخته دیگر از ملزومات است.

در دفاع از آزادی بیان، سکولاریسم و ارزش‌های قرن بیستم و یکم من این کاریکاتورها را دوباره چاپ می‌کنم و به همان آن تیتیر روزنامه‌ی "فرانس سوآ" را به یاد می‌آورم. "بله، این حق ماست که از خدا کاریکاتور بکشیم!"

فراخوان من به همه انجام همین کار است

من ایمیلی دریافت کردم که مدعی است وبلاگ من و چاپ دوباره کاریکاتورهای محمد توهین آمیز و اهانت بار است. مسلماً این کاریکاتورهای می‌توانند برای کسانی که فکر می‌کنند به اعتقاداتشان بسیار پایدار هستند یا مقدساتشان به طنز کشیده شده "توهین آمیز" باشند.

اما حالا که چه؟

در حالی که شاید به خیلی از ما

کاریکاتورها نیاز به شجاعت دارد نشانی از این است که این جنبش ارتجاعی تا چه حد زندگی میلیون‌ها انسان، بخصوص در خاورمیانه، را به جهنم مبدل کرده است. جنبش دست راستی می‌کشد، معیوب می‌کند، تحقیر می‌کند (با اسلام در بالای پرچمش) و ما حتی حق نداریم مسخره کنیم!

در ایمیل گفته شده محمد برای بسیاری مقدس است و نباید مسخره شود - خیلی عذر می‌خواهم، برای من مقدس نیست! چرا من فقط باید وقتی اجازه‌ی صحبت داشته باشم که باعث "اهانت" به دیگران نشوم؟ اگر قرار بر این باشد چیز زیادی برای گفتن نمی‌ماند. هیچ کس قصد اهانت به افراد را ندارد - حداقل من ندارم - اما قضیه اینست



که مذهبی‌ها عملاً با هر ارزش انسانی قرن بیست و یکم مورد "اهانت" واقع می‌شوند. به هر حال، غیر از انسان هیچ چیز برای من مقدس نیست.

چیزی که در چنین ایمیل‌هایی برای من از همه جالب‌تر است تبعیضی است که چنین مخالفانی قائل می‌شوند. مذهب، و اسلام، زن را نیمی از مرد به حساب می‌آورد، هم‌جنس‌گرایی را انحراف اخلاقی می‌داند، روابط جنسی خارج از زناشویی را با سنگسار پاسخ می‌دهد و غیره اما چند کاریکاتور "اهانت‌آمیز" هستند!

این‌ها همه از دنیای وارونه‌ای است که ما در آن زندگی می‌کنیم و بهمین خاطر هرگز از صحبت علیه آن باز نخواهم ایستاد.

ترجمه: آرشی سرخ

از صفحه ۶

کارتونها و پیغمبرها!

دیگری از جهان متمدن نوش جان کردند و این بار هم با درمادگی به لانه‌ها شان باز گشتند.

امروز، با انتشار کارتونهایی محمد، فرصت گرانبهایی گیر آورده اند که سنگر تازه‌ای علیه ارزشهای انسانی باز کنند. جبهه تازه‌ای میان جنبش اسلامی از یکطرف و ارزشهای سکولار و آزادیخواهانه از طرف دیگر باز شده است. شکست و پیروزی در این جبهه جدید، هم برای جنبش اسلامی و هم برای بشریت ملرن و متمدن و سکولار بسیار حیاتی است.

یک لحظه تصور کنید هزاران روزنامه و نشریه و تلویزیون و وب سایت در کشورهای مختلف جهان در همبستگی با "یولند پستن"، کارتونهای محمد را در سطح وسیع منتشر کنند؛ امام جمعه‌هایی که تهدید به مرگ میکنند مورد تعقیب قانونی قرار گیرند؛ احزاب

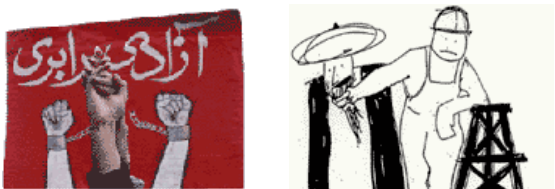
سیاسی پیشرو و نهادهای حقوق بشر و سازمانهای دفاع از حقوق زنان و اتحادیه‌های نویسندگان، انتشاراتیها و جریانات سکولار علناً از حق انتقاد و آزادی بیان دفاع کنند و توحش اسلامیت‌ها را محکوم کنند؛ و این موج همبستگی جهانی، دول غرب را مجبور کند باج دهی در مقابل جریانات اسلامی را کنار بگذارند؛ و در کنار همه اینها و مهتر از همه هزاران هزار انسانی که از جنبش اسلامی متفرند به خیابانها بیایند و از جانشان از این جریانات و حمایتشان از آزادی بیان را علناً اعلام کنند؛ آنگاه امامان مساجد غرب و عریه‌کشان اجیر و پیروان خودباخته شان دست از پا درازتر به مساجد و حسینیه‌هاشان باز خواهند گشت. این برای بشریت متمدن، سکولار و آزادیخواه حیاتی است. این برای سد کردن دست درازی این جنبش به ارزشهای انسانی حیاتی است. به جنبش اسلامی، به این جنبش درنده‌خو حتی لحظه‌ای هم نباید امکان تنفس داد. *

حکومتشان میزند. همانگونه که دیروز ریگان و پاپ دوشادوش هم زیر بغل طالبان و مجاهدین اسلامی افغانستان را گرفتند و این ابر شوم را بالای سر مردم افغانستان به حرکت درآوردند، امروز هم در قبال جنبش اسلامی هم سیاست و هم جهت هستند.

این موجودات را باید به سوراخهایشان برگرداند

توحشی که اسلامیت‌ها راه انداخته اند یک حرکت سیاسی سازمان یافته برای ارعاب مردم جهان در مقابل این جنبش به غایت فاسد و تبه کار است. اینها دارند در قالب دفاع از "مقدسات مسلمین" یک دستور عمل سیاسی بسیار روشنی را پیش می‌برند. میخواهند با تهدید ترور و سربریدن، قلمها را بشکنند و زبانها را ببرند و جرئت هر گونه نقد و اعتراض بشریت متمدن در مقابل ارتجاع اسلامی را خفه کنند.

ن باید به این جریانات اجازه حتی یک قدم پیشروی را داد. کوچکترین عقب نشینی در مقابلشان راه تعرض بعدی اینها را هموار خواهد کرد. کوچکترین آوانس در قبال اعمال وحشیانه شان، اینها را درنده تر خواهد کرد. ماجرای ممنوعیت حجاب در مدارس فرانسه بسیار آموزنده است. حجاب برای جنبش اسلامی به عنوان یک ارزش مقدس نقش یک پرچم سیاسی را ایفا میکند. همانموقع، پیروان تهی مغزشان در سطح جهان را برای دفاع از حجاب به عنوان یک هویت مقدس اسلامی بسیج کردند. مظلوم نمایی کردند، ارعاب کردند، نعره زدند ولی دست آخر جامعه فرانسه در مقابل این وحوش عقب ننشست و "حجاب مقدس" را در مراکز آموزشی ممنوع کرد و به این ترتیب یک پرچم سیاسی مهم این جریانات به پایین کشیده شد و دیدید که چگونه ناگزیر به سوراخهایشان خزیدند. با فاصله‌ای کوتاه تلاش کردند دادگاههای اسلامی در کانادا راه بیاندازند و باز هم شکست



باید از آزادی بیان پاسداری کرد! در حاشیه جنجال اسلامیت ها و چاپ کاریکاتورها

میشود. جنایت، سرکوب، خفقان، ترور و ارباب جزء مکمل همه گروهها و دولت های اسلامی برای بقاء است.

این حق مسلم هر نشریه و فردی است تا چنین کاریکاتورهایی و یا هر متنی را در نقد هر "مقدسائی" بچاپ برساند، یا به ریشخند بگیرد. این عین آزادی بیان و نقد است. آزادی بدون قید و شرط بیان و نقد یکی از حقوق پایه ای جامعه مدرن و متمدن است.

حزب کمونیست کارگری جنجال و هیاهویی که توسط جریانات اسلامی برافشاده است را شدیداً محکوم میکند و در دفاع قاطع از حق آزادی بیان و عقیده و نقد اعلام میکند که نباید از این جریانات ارتجاعی عنزخواهی کرد. بالعکس باید این حملات وحشیانه را محکوم کرد و قاطعانه از حق آزادی بیان و نقد دفاع نمود و جریانات و مرتجعینی که علیه مردم فتوای قتل و بمب گذاری صادر میکنند را شدیداً مورد تعقیب قانونی قرار داد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ فوریه ۲۰۰۶، ۱۶ بهمن ۱۳۸۴

متوسل میشود. و زمانی که حقایق جنایاتش آشکار میشود، فغان بر میآورد که به مقدسات اسلام توهین شده است. ایندئولوژی متعفن اسلامیست ها تنها با ترور و ارباب میتواند دوام پیدا کند. خودشان بخوبی واقفند که در صورت وجود آزادی بیان و عقیده و بدون ترور و ارباب، بازارشان بسرعت کساد

اسلامی است. اسلام سیاسی جریانی است که کارنامه سیاهی از جنایت و کشتار دارد، بطور روزمره برای پیشبرد اهدافش به ترور و سرکوب

خبر چاپ کاریکاتورها و واکنش دولتها و اوباش اسلامی در راس اخبار قرار گرفته است. ارباب و گروکشی سلاح جریان

چاپ کارتونی هایی از محمد (پیغمبر اسلام) در يك نشریه دانمارکی و بنبال آن در چند نشریه اروپایی بهانه ای بدست جریانات اسلامی برای آشوب بپا کردن و جنجال و هیاهو راه انداختن داده است. فغان بر میآورد که به مقدسات اسلام توهین شده است. اسلامیت ها تهدید به قتل و بمب گذاری کرده اند و در برخی کشورهای اسلام زده بخصوص در لبنان و فلسطین و اندونزی تظاهرات خشونت آمیز سازمان داده اند. دولت های اسلامی به دولت های غربی اعتراض کرده اند. عربستان سعودی محصولات دانمارکی را تحریم کرده است. روزنامه "یولند پستن" دانمارکی رسماً از اسلامی ها عنزخواهی کرده است. سردبیر نشریه "لوسوار" فرانسوی اخراج شده است. دو ژورنالیست اردنی که قصد چاپ کاریکاتورها را داشته اند زندانی شده اند، آفریقای جنوبی چاپ کاریکاتورها را ممنوع کرده است و



از صفحه ۱ مرعوب نشوید، معذرت نخواهید!

اعدامشان میکند، و آنگاه زمانی که حقایق این جنایات افشاء میشود، به آنها "توهین" میشود،

فغان بر میآورد که "حرمت شان" لگدمال شده است، "مقدس" میشوند. این گروکشی است. همانگونه که هر روزه انسان های بیگناه را گروگان میگیرند، زبل شده اند و میکوشند که وجدان های انسان های مترقی و انسان دوست را

از این نیروهای ارتجاعی نباید عنزخواهی کرد، از جریاناتی که يك دستگاه پیچیده سرکوب و ارباب و يك ارتش تروریستی در سطح جهان سازمان داده اند، از کسانی که با توسل به ترور و جنایت و سرکوب زندگی مردم کشورهای اسلام زده را به گروگان گرفته اند، کسانی که از نوجوان ۱۲ ساله نیز برای پیشبرد عملیات انتحاری تروریستی شان نمیگذرند، از نیروهایی که دارای سیاه ترین کارنامه جنایت و سرکوب اند.

اسلامیت ها در حالی که می زند و میکشند، مظلوم نمایی میکنند. این سلاح آنهاست. جریان اسلام سیاسی انسان ها را بخاطر طلب کردن حق خود، بخاطر طلب آزادی و برابری شکنجه میکند، میکشد، سنگسار میکند، بطور روزمره زنان را تحقیر میکند، حق آنها را پایمال میکند، و برای عدم اجرای قوانین اسلامی شکنجه و

می شود، و "آزادی مذهب پس چی؟"، وجدان حساس دنیای متمدن و انسان دوست را به گروگان میگیرند. این راز بقای آنهاست. براستی که دنیای بدون آزادی بی



قید و شرط بیان و نقد، چه دنیای تاریک و ترسناکی است. این ارزشهای طی مبارزات سخت و طولانی بدست آمده است. ما باید حق آزادی

گروگان بگیرند. با توسل به استدلالاتی چون به "مقدسات مان توهین شده است"، "راسیسم رشد میکند"، "نفرت مذهبی تحریک

حفظ شود. توهین به مقدسات" بهانه ای است برای اسلامیت ها تا تحریک و هیستریک شوند و دنیا را به آتش کشند. و مشکل اینحاست که هر حرکت و نمودی از دنیای آزاد و متمدن آنها را "تحریک" میکند و کف بر دهانشان میآورد. باید آنها را سرچایشان نشانند. باید به آنها آموخت که این سلاح دیگر کاربرد ندارد. باید مجبورشان کرد که به آزادیهای مدنی و حقوق انسانی احترام بگذارند، باید یاد بگیرند تا حقوق زنان و آزادی زن را رعایت کنند. باید بیاموزند که سلاح ارباب و ترور دیگر کارساز نیست. چگونه؟ باید در مقابلشان ایستادگی کرد. باید عقبیشان نشانند. باید از آزادی بی قید و شرط بیان، عقیده و نقد قاطعانه دفاع کرد. بهیچوجه نباید از آنها عنزخواهی کرد. اگر کسی باید عنزخواهی کند، این اسلامیت ها هستند که باید از دنیا بخاطر جنایاتشان علیه بشریت عنزخواهی کنند. *

کند. تنها راه ساختن يك دنیای بهتر و انسانی تر حفظ این ارزشهای مقدس است. آزادی بیان و نقد ارزش مقدسی است که باید با تمام قوا